



مقدمه

یکی از راههای عمیق و در عین حال ساده و آسان برای شناخت اسلام و آثار سازنده آن، مطالعه زندگی اصحاب خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. آنها که تا آخر عمر در خط پیامبر و امامان بودند و از جانب آن بزرگواران مورد تایید قرار گرفتند. جابر بن عبد الله انصاری از افراد نادری است که به راستی شاگرد فهیم، عارف، پارسا، مجاهد و وارسته پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. وی بیش از 90 سال عمر پر برکت خود را در راه اسلام و گسترش آن صرف کرد و شیرمردی مخلص و نستوه، عابدی وارسته و عاشق و عالمی پرتلاش بود.

جابر پنج امام را درک کرد، از شاگردان و یاران مخصوص همه آنها بود و در نشر اندیشه آنان، سهمی بزرگ داشت. «جابر بن عبد الله انصاری» کسی بود که هم اسلام او را پرورش داد و هم او موجب رشد و گسترش اسلام شد. در این میدان، گوی سبقت از همراهان ربود و چنان درخشید که وی را از «اصفیا» میدانند. او به دو موضوع، که در مکتب اسلام بسیار مهم و سرنوشت ساز است، اهمیت بسیار میداد:

1- پاسداری و نگهبانی عمیق و جدی از خط راستین ولایت و رهبری امامان برحق؛

2- نقل و نشر احادیث پیامبر و امامان علیهم السلام و گسترش فرهنگ اسلام. او چنان به نشر روایات اهمیت میداد که در تمام کتب احادیث اسلامی، نام او به عنوان ناقل حدیث و ناشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام میدرخشد. پس ضروری است که زندگی این بزرگوار را مورد مطالعه قرار داده، از آن درس گیریم و در زندگی خود به کار بندیم.

جابر کیست؟

جابر بن عبد الله انصاری یار با وفای پیامبر(صلی الله علیه وآله) و شیفته حق و پاسدار جان برکف اسلام ، حدود پانزده سال قبل از هجرت در مدینه و در خانواده‌ای محترم ، از خاندان «خزرج» متولد شد. پدر جابر «عبد الله بن عمرو» از نخستین کسانی است که قبل از هجرت پیامبر (صلی الله علیه وآله) از مکه به مدینه ، اسلام را پذیرفت. او تمام زندگی اش را وقف گسترش اسلام کرده و بیش از صد سال عمر داشت. در جنگ بدر شرکت کرد و در جنگ احد به درجه رفیع شهادت نائل گردید . نام مادر جابر «نسیبه» بود و دختر عقبه بن عدی به شمار می‌آمد.

جابر در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله)

جابر در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) عنصری پاک ، مجاهدی مخلص و صحابی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شمرده میشد و همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در 19 غزوه شرکت کرد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که میگفت: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مورد سلمان پرسیدم ، فرمود: سلمان دریای علم و معرفت است که نمیتوان به آخر آن رسید. سلمان دارای علم گذشته و آینده است. خداوند دشمن دارد ، کسی را که با سلمان دشمنی کند و دوست دارد آن را که با سلمان دوستی ورزد. عرض کردم در باره ابوذر غفاری ، مقداد ، و عمار یاسر چه میفرمایی؟ حضرت پاسخ را تکرار کرد. از محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیرون آمدم ، تا این چهار تن (سلمان ، ابوذر ، مقداد ، عمار یاسر) را دیدار کنم و به آنها بشارت دهم. وقتی از حضور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حرکت کردم ، فرمود: «الی یا جابر و انت منا ، ابغض الله من ابغضك و احب من احبك» ای جابر ، تو از خاندان ما هستی ، خداوند دشمن دارد آن را که با تو دشمنی ورزد و دوست دارد آن را که با تو دوستی کند.

وصیت مخصوص پیامبر(صلی الله علیه وآله) به جابر

از ویژگیهای جابر بن عبد الله انصاری وصیت پر راز و رمز رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به اوست. این امر شگفت انگیز بیانگر مقام ارجمند و شخصیت عظیم جابر است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به جابر فرمود: «امید آن است که عمر طولانی کنی تا فرزندی از من را که از نسل حسین (علیه السلام) است و محمد نام دارد ، ببینی که علم دین را میشکافد و تشریح میکند. وقتی او را ملاقات کردی، سلامم را به وی برسان.»

جابر بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله)

از گفتار و روش جابر و قراین بسیار استفاده میشود که جابر بن عبد الله انصاری ، بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، هیچگاه به راه دیگران نرفت و با کمال شهامت در خط راستین اسلام پابرجا ماند. و از افراد نادری است که فراز و نشیبها وی را نلغزاند. ابو زبیرمکی میگوید: جابر را دیدم بر عصایی تکیه داده ، از کوچه های مدینه عبور کرد ، به محل اجتماع مردم مدینه آمد و گفت: علی (علیه السلام) بهترین انسانهاست، پس هرکس منکر این موضوع شود، راه کفر پیموده است. ای مردم مسلمان مدینه، فرزندان خود را بر اساس دوستی و عشق علی (علیه السلام) تربیت کنید ، هر کس مانع از آن شد ، بنگرید که مادرش چگونه او را زاده است. (اصالت خانوادگی ندارد).

«ابو زبیر» می گوید: از جابر پرسیدم: علی (علیه السلام) چگونه شخصی بود؟ جابر ابروانش را که روی چشمانش افتاده بود ، بالا زد و گفت: علی (علیه السلام) بهترین افراد بشر در روی زمین بود. در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هرگاه میخواستیم منافقان را بشناسیم ، معیار ما ارتباط با علی (علیه السلام) بود. یعنی هر که با علی (علیه السلام) رابطه خوبی نداشت ، منافق بود و هر که روابط خوبی با حضرت داشت ، مسلمان حقیقی بود.

ناشر افکار خاندان نبوت

تلاش بیوقفه از ویژگیهای جابر بود در نشر افکار و فرهنگ امامان علیهم السلام در زمانی که دشمنان برای پوشاندن فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تلاش میکردند ، جابر گاه برای دریافت حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) از مدینه به سوی شام (با وسایل آن زمان) حرکت میکرد. در مورد وثاقت جابر ، امام باقر (علیه السلام) فرمود: «جابر هرگز دروغ نمیگوید.» در این باره ، تاریخ نویسان گفته اند: « جابر در نقل گفتار و فرهنگ اسلام بسیار کوشا بود و از پاسداران سنتهای اسلام به شمار میآمد.»

نخستین زائر کوی حسینی (علیه السلام)

آنچه بر شهرت جابر افزود و نام او را جهانی و جاودانه ساخت ، این بود که در روز اربعین سال 61 هجری ، به عنوان « نخستین زیارت کننده مرقد شریف امام حسین علیه السلام ، به کربلا آمد و به زیارت پرداخت.» پیوند مقدس و مخلصانه با امام حسین (علیه السلام) به وی رنگ حسینی داد و او در کنار امام حسین (علیه السلام) بر قله رفیع جهان و زمان قرار گرفت ، زیرا زیارت او زیارتی معمولی نبود ، بلکه زیارتی سیاسی ، انقلابی و پایه گذار شکستن زرق و برق طاغوت زمان (یزید) و طاغوتهای دیگر بود. این زیارت چون پتکی بر سر یزیدیان و بردگان زر و زور فرود آمد.

چگونگی زیارت جابر

« عطیه عوفی » میگوید: من با جابر بن عبد الله انصاری به زیارت قبر حسین (علیه السلام) رفتم. وقتی به کربلا رسیدیم ، جابر نزدیک شط فرات رفت ، غسل کرد .قطیفه ای به کمر بست و قطیفه ای دیگر بر دوش افکند. سپس کیسه ای که همراهش بود ، گشود و از آن آرد « سعد » (ریشه خوشبوی کوفی) برون آورد و خود را خوشبو کرد. سپس به طرف مرقد شریف امام حسین (علیه السلام) حرکت کرد؛ در حالی که مشغول ذکر خدا بود ، خود را نزدیک قبور رساند و گفت: مرا به قبر حسین (علیه السلام) برسان تا آن را لمس کنم. دستش را گرفتم و به قبر رساندم. هنگامی که دستش به خاک مرقد حسین (علیه السلام) رسید ، از شدت اندوه بیهوش شد و به روی قبر افتاد. من بر وی آب پاشیدم. وقتی به هوش آمد ، سه بار گفت: یا حسین! یا حسین! یا حسین! سپس گفت: «حبیب لا یحبیب حبیبه» آیا دوست جواب دوستش را نمیدهد؟! بعد گفت: چگونه جواب دهی که خون از رگهای گلویت بر سینه و شانعات فرو ریخته و میان سر و بدنت جداییافتاده است! من گواهی میدهم تو فرزند بهترین پیامبران ، سرور مؤمنان ، اسوه تقوا و پرهیزکاری ، زاده هادیان و رهبران، پنجمین تن از اصحاب کسا ، فرزند بزرگترین نقبا علی (علیه السلام) و فرزند سرور زنانی. چرا چنین نباشی که دست سید المرسلین تو را پروراند ، در دامن پرهیزکاری بودی ، در زندگی و هنگام مرگ پاک بودی . قلب مؤمنان، از فراق سوخت. آنها شك ندارند که تو زنده ای ، سلام و خشنودی خدا بر تو باد.

عطیه عوفی میگوید: سپس جابر ، به اطراف قبر امام حسین (علیه السلام) متوجه شد و سایر شهیدان کربلا را چنین زیارت کرد: « درود و سلام بر شما ارواحی که در محور قبر امام حسین(علیه السلام) جای گزیدید. و شتر خود را در آستان او خوابانیدید. گواهی میدهم شما نماز را به پا داشتید ، زکات را ادا کردید ، امر به معروف و نهی از منکر انجام دادید و با منحرفان و ملحدان جنگیدید. شما خدا را عبادت کردید تا مرگتان فرا رسید. سوگند به خدایی که محمد (صلی الله علیه وآله) را به راستی فرستاد، ما با شما در آنچه بدان وارد شدید، شریک بودیم. عطیه عوفی میگوید: از او پرسیدم: ما چگونه در جهاد و پیکار آنها (شهیدان کربلا) شرکت داریم؟ ما در فراز و نشیب همراه آنها نبودیم و شمشیر نکشیدیم ؛ ولی این شهیدان جانبازی کردند ، به گونه ای که سرهایشان از بدنشان جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه گشتند؟! جابر در پاسخ گفت: ای عطیه ، از حبیب خود رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که میگفت: هر کس قومی را دوست بدارد ، با آنها محشور میشود و هر کس عمل قومی را دوست بدارد ، در آن عمل با آنها شریک است. سوگند به خداوندی که محمد (صلی الله علیه وآله) را به راستی فرستاد ، نیت من و اصحابم همان نیت امام حسین (علیه السلام) و اصحاب اوست ؛ نیتی که بر اساس آن به شهادت رسیدند.

دیدار با امام سجاد (علیه السلام) و همراهان آن حضرت

- آیا جابر در روز اربعین کاروان اهل بیت علیهم السلام را نیز زیارت کرد؟ در این باره ، دو نظر وجود دارد:
- 1- امام سجاد (علیه السلام) و همراهانش در همان اربعین اول (20 صفر سال 61) از شام به کربلا آمد و در همان روز با جابر ملاقات کردند.
 - 2- این ملاقات ، در اربعین سال بعد (سال 62 هجری) تحقق یافت.

نام جابر بر ضریح امام حسین (علیه السلام)

جالب توجه اینکه در بالای ضریح مقدس امام حسین (علیه السلام) که به وسیله شیعیان از هندوستان تهیه شده و 5/5 متر درازا و 5/4 متر پهنا دارد ، با آب طلای خالص آیه نور و پس از آن ، این حدیث نبوی نگاشته شده است: «یا جابر زر قبر الحسین فان زیارته تعدل مائة حجة و ان قبر الحسین بن علی ترعة من ترع الجنة ... و ان کربلا ارض الجنة» ای جابر ، قبر حسین (علیه السلام) را زیارت کن ؛ زیرا پاداش زیارت قبر حسین (علیه السلام) با پاداش انجام دادن صد حج (مستحبی) برابر است ؛ و در حقیقت قبر حسین بن علی (علیه السلام) گلزاری از گلزارهای بهشت است... و زمین کربلا ، زمین بهشت به شمار میآید.» جابر به سفارش پیامبر (صلی الله علیه وآله) عمل کرد و به عنوان نخستین زائر ، در موقعیتی دشوار ، این سنت عظیم را بنیان نهاد.

رحلت جابر

پس از آنکه جابر ، پیام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را به امام باقر (علیه السلام) رساند ، امام باقر (علیه السلام) به جابر فرمود: وصیت خود را آماده کن ؛ زیرا تو در مسیر حرکت به سوی خدایی! قطرات اشک از چشمان جابر سرازیر شد و به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: آقای من ، این خبر را قبل از شما رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به من داد و فرمود: «چند روز پس از دیدار با محمد بن علی از دنیا میروی.» امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ای جابر ، سوگند به خدا ، خداوند علم گذشته ، حال و آینده تا روز قیامت را به من عنایت فرموده است.» جابر وصیت کرد و آماده سفر شد. سر انجام در 73 یا 74 یا 78 قمری در 94 سالگی در مدینه از دنیا رفت. طبق بعضی از روایات ، امام صادق (علیه السلام) فرمود: جابر ، آخرین نفر از اصحاب بود که باقی مانده بود. ابان بن عثمان ، که در آن وقت حاکم مدینه بود ، بر جنازه جابر نماز خواند. او برای فرزندان جابر پیام فرستاده بود وقتی پدرتان از دنیا رفت ، او را به خاک نسپارید تا من بر جنازه اش نماز بخوانم. زیرا حاکمان نماز خواندن بر جنازه بزرگان را امتیاز و افتخار میدانستند. گرچه جابر بن عبد الله انصاری ، در میدان نبرد با دشمن به شهادت نرسید، ولی با شمشیر قلم و بیان و در مسیر مبارزه پیوسته با دشمنان بود. او با افشاگریهایش بینی دشمنان کینه توز را

به خاك ماليد و از حريم مقدس امامان معصوم دفاع كرد. بى ترديد ، جابر از مصداقهاى روشن اين سخن رسول خدا (صلّى الله عليه وآله) به شمار ميرود: «اذا كان يوم القيامة يوزن مداد العلماء مع دماء الشهداء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء» هنگامى كه روز قيامت ميشود ، مركب قلم دانشمندان را با خون شهيدان ميسنجند ؛ پس مركب قلم دانشمندان بر خون شهيدان برترى مييابد.

منبع: ماهنامه كوثر؛ شماره 27